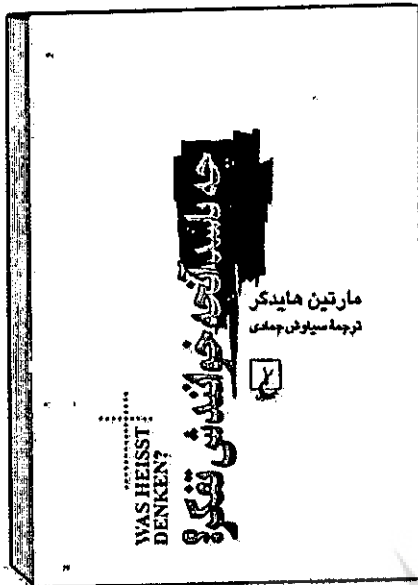


هنوز نمی اندیشیم

آنچه می توانیم آموخت این است: با دقت گوش سپردن

مهتری معتکف



چه باشد آنچه خوانندش تفکر؟
مارتین هایدگر
ترجمه: سیاوش جمادی
لغتوس ۱۳۸۸

کتاب «چه باشد آنچه خوانندش تفکر؟» اثر مارتین هایدگر مربوط به دوره متأخر تفکر او است و بسیاری از معانی ای را که او در دوره موسوم به دوره پس از «گشت» طرح می کند، به نحوی منسجم در بر دارد. هایدگر با نقد تفکر علمی و متافیزیکی سخن از طریقی دیگر برای تفکر می راند؛ طریقی که در آن هیاهوهای روزمره حیات آدمی به کنار می رود و از این رو انسان قادر به شنیدن آن حقیقتی می شود که انسان امروزی قادر به نیوشیدن آن نیست. چندی است که ترجمه و نشر آثار مارتین هایدگر در ایران رونق گرفته است. اگر چه دیر زمانی است که اندیشه هایدگر وارد فضای فکری ایران شده اما تا همین اواخر آثار کمی از او به فارسی برگردانده شده و منبع تحقیق در افکار او بیشتر مراجع و تفاسیر دست دوم بود. ترجمه کتاب دوران ساز هایدگر - هستی و زمان - در واقع جدی ترین کار در این عرصه بود که چندی پیش به قلم سیاوش جمادی به بازار کتاب عرضه شد. اخیراً کتاب دیگری از مارتین هایدگر با عنوان چه باشد آنچه خوانندش تفکر؟، توسط همین مترجم ترجمه شده و در دسترس علاقه مندان فلسفه قرار گرفته است.



این کتاب، متن دوره از درس گفتارهای هایدگر در دینویسمال زمستانی و تابستانی در سال های ۱۹۵۱ و ۱۹۵۲ در دانشگاه فزاییورگ است. او در سال ۱۹۵۴ ممنوع التدریس شد. این درس گفتارها اولین و آخرین خطابه های او در دانشگاه هستند.

است: با دقت گوش سپردن».

در این کتاب هایدگر با بیان ۴ دلالت، تلاش دارد تا اهمیت تفکر را به خواننده گوشزد کند. به نظر هایدگر، تفکر چونان ابژه ای که ما قصد تصاحب آن را داشته باشیم، نیست، بلکه «تفکر»، امری است که ما را به خود فرامی خواند. این تلقی از تفکر، به وضوح با برداشت مدرن آنچنان که با اندیشه های دکارت آغاز شده، سخت در تضاد است. هایدگر با این نگرش خود به تفکر، در واقع منطقی متافیزیکی تفکر را تخریب می کند.

کتاب «چه باشد آنچه خوانندش تفکر؟»، پیش از این با عنوان «معنای تفکر چیست؟»، با ترجمه فرهاد سلیمانیان توسط نشر مرکز منتشر شده بود اما آن کتاب تنها قسمتی از کل اثر را در برداشت. ترجمه جمادی، ضمن وفاداری به اصل آلمانی کتاب، مقدمه مفصلی را هم در بر دارد که در آن جمادی به بیان مولفه های اصلی این اثر و همچنین آراء برخی از منتقدین و مفسرین هایدگر، از جمله آدورنو و هانا آرنت پرداخته است. یکی از نکات بحث برانگیز این ترجمه، عنوانی است که مترجم برای آن انتخاب کرده است: «چه باشد آنچه خوانندش تفکر؟». نام اصلی کتاب به زبان آلمانی، Was heisst Denken است که در ترجمان انگلیسی به What is called Thinking برگردانده شده است. ظاهراً مترجم فارسی، این عنوان را از شعری از محمود شبستری برگزیده است و با این انتخاب درصد آن بوده که از ترجمه ساده «معنای تفکر چیست؟» پرهیز کند؛ اگر چه بنابر آنچه که در کتاب طرح شده و مراد هایدگر است، این عنوان، مناسب به نظر می رسد.

تحقق تام و تمام تفکر نیست. او می گوید: «در زمانه ما اندیشه انگیزترین امر آن است که ما هنوز اندیشه نمی کنیم». در وهله اول، این شاید سخنی نادرست به نظر رسد چرا که در این دوران بیش از هر زمان دیگری به فلسفه و تحقیقات نظری اهتمام ورزیده می شود. اما به زعم هایدگر، اینکه مردم نسبت به فلسفه از خود دلبستگی نشان می دهند از آمادگی آنها برای تفکر نشان ندارد. صرف این واقعیت که ما سالیان متمادی از عمر خود را صرف رساله ها و نوشته های متفکران بزرگ کنیم، این نتیجه را حاصل نمی آورد که ما خودمان هم فکر می کنیم یا حتی آماده آموختن تفکریم. «اشتغال به فلسفه می تواند حتی به سخت سرانه ترین نحوی رهن را همان شود؛ بدین سان که ما فریفته این پندار ظاهر کند که چون پیوسته و بی وقفه فلسفه می ورزیم، پس فکر می کنیم». نکته مهمی که باید به آن توجه داشت این است که در این ماجرا - یعنی نا آمادگی ما برای تفکر - لزوماً این ما نیستیم که مقصریم، اگر چه می توان غفلت و تعللی از سوی آدمی را در این ناتوانی دخیل دانست. به باور هایدگر، «اینکه ما هنوز فکر نمی کنیم بیشتر خاسته از آن است که خود آنچه باید به آن اندیشید از انسان رو می گرداند، از مدت ها پیش رو گردانده است». در این میان آنچه در توان آدمی است، تلاش کردن برای گوش سپاری به آن حقیقتی است که به زعم هایدگر از آدمی رو گردانده است. از این طریق است که می توان آمادگی تفکر را در خود پدید آورد؛ «آنچه در اینجا و در هر جا می توانیم آموخت این

کتاب چه باشد آنچه خوانندش تفکر؟، در واقع نشان دهنده تفکر دوره متأخر هایدگر به نحوی منسجم است. با این حال، این اثر هیچ گاه به اندازه کتاب «هستی و زمان» که آشکارگر اندیشه های دوره متقدم اوست، مورد توجه قرار نگرفت. خود او در گفت و گوی مشهورش با اشپگل می گوید: «شاید این هم نشانه عصر ما باشد که میان همه آثار منتشر شده من درست این اثر است که کمتر از همه خوانده می شود». در این مقام باید توجه کنیم چه چیزی این اثر را در وضعیتی ممتاز قرار می دهد و هایدگر در باب تفکر چه پرسشی را در این اثر پی می گیرد که بعضی را به تحسین و حیرت و گروهی را به انکار و بی توجهی وامی دارد. او در همان آغاز کتاب بر آن می رود که «ما به آنچه تفکرش خوانند، وقتی رمی یابیم که خود فکر کنیم. برای آنکه چنین کوششی کامروا شود، باید آماده شویم که تفکر را بیاموزیم».

آماده سازی خود برای تفکر نخستین گامی است که باید در این طریق برداشت. همین امر نشان می دهد که روش هایدگر برای تفکر، همان روشی نیست که در شیوه متعارف فلسفه ورزی به کار گرفته می شود. اصولاً هایدگر به واسطه آموزه «غلبه بر متافیزیک» خود، سنجی از تفکر را پیگیری می کند که در آن پرسش هایی متفاوت و از این رو زبانی دیگر نسبت به مسائل و مفاهیم متافیزیکی طرح شود.

بر همین مبنا او بر این باور است که تفکر صرفاً در فلسفه روی نمی دهد و آن پرسش ها و پاسخ هایی که متافیزیک در سیر تاریخی خود پیش می نهد، به معنای